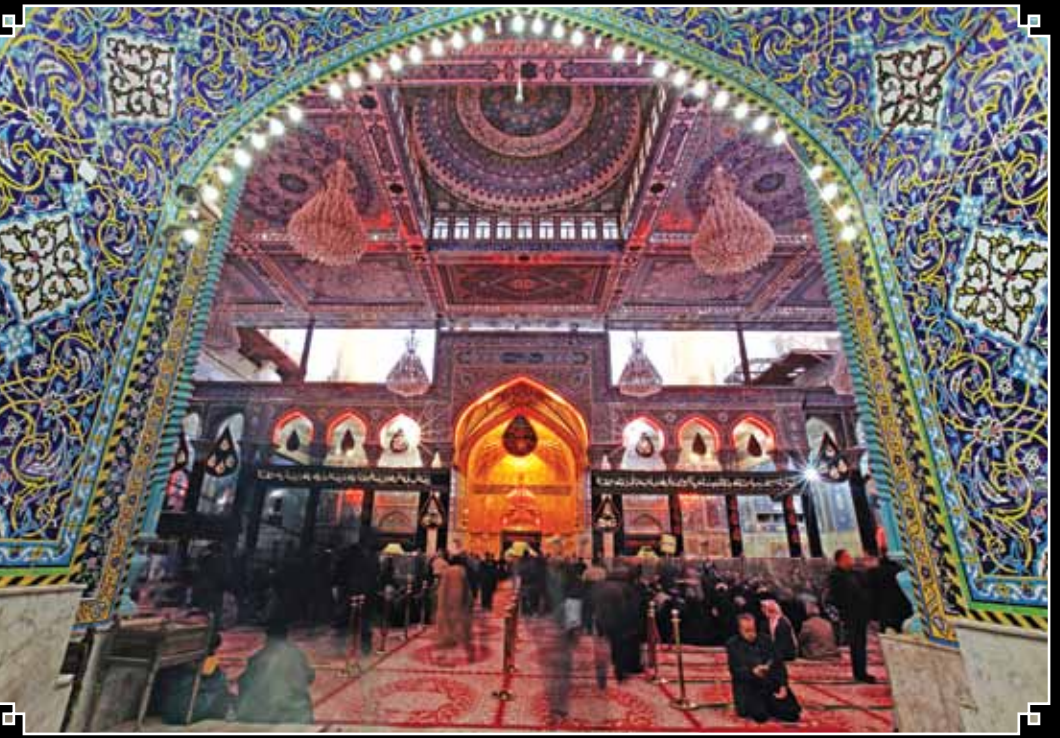


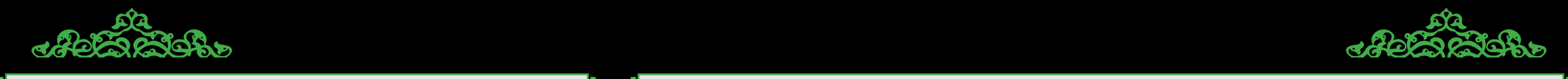


تأملی بر پیوند معارف قرآنی با نهضت عاشورا

قرآن عقبه تئوریک قیام عاشورا



زندگی مبارک حضرت امام حسین علیه السلام با قرآن عجین بود. ایشان از کودکی با قرآن همراه بود و انس با قرآن داشت و عاشق و دلداره قرآن بود. کلام ایشان آیات قرآن و برگرفته از قرآن بود و رفتارشان مطابق قرآن. این شیفتگی سیدالشهدا نسبت به قرآن کریم و کلام الهی تا جایی است که وقتی سپاه دشمن غروب تاسوعا حمله ور شده و می خواستند کار را در همان ساعت یکسره کنند، امام حسین حضرت عباس را به سمت دشمن فرستاد تا از آنها مهلت یک شبه بگیرد تا به عبادت خداوند مشغول و سرگرم باشد و در همین باره فرمود:



امام حسین و قرآن یک حقیقت در ۲ تجلی

حجت الاسلام سیدجلال رضوی همدانی
 استاد اخلاق حوزه علمیه



یکی از مظلومیت‌های مشهور در میان عطا‌های الهی در میان ما مسلمانان قرآن است. قرآن واقعاً در میان جامعه اسلامی مظلوم واقع شده است. این مسأله را عملاً ما ببینیم و بحث ما بحث قرآنت یا تلاوت یا آموزش قرآن نیست، بلکه بحث ما بحث عمل به قرآن است. آنچه وارد شده است، یکی از شکایت‌های رسول گرامی اسلام در نزد خداوند، شکایت از امت خود در مهجور کردن قرآن است. یکی از خطاهایی که ما مرتکب می‌شویم، این است که قرآن را صرفاً در مواقع سال تحویل در سفره هفت‌سین قرار دهیم یا در قبله ازدواج در نزدنمان از آن می‌گوییم. با به عنوان دشمن‌ها در بدو قرآن - که البته کسی می‌گفت باز جای امبدواری دارد که قرآن را خوش‌بین می‌دانیم - به آن اشاره می‌کنیم و... در واقع فقط در اینگونه موارد سرآغاز قرآن می‌رویم، اینها هم همگی قشری و ظاهری است و گذری و محتوا و باطن قرآن ندارد. در ایام محرم باید توجه ویژه‌ای به قرآن کنیم، چرا که این ماه، ماه امام حسین است و امام حسین شیفته و شیدای قرآن بودند. وقتی ایشان یکشب بیشتر مهلت خواستند، به دنبال این بودند تا بتوانند یک شب بیشتر قرآن بخوانند. وقتی هم سر مبارک حضرت بنیاد توجه ویژه‌ای به قرآن کنیم، چرا که این ماه، و علاقه و عجین شدن امام حسین با باطن و ذات قرآن نادر. قرآن‌ها در طاقچه‌های ما گرد و خاک می‌خورد و این جای تأسف دارد. کسی محضر حضرت آیت‌الله‌العظمی بهجت رسیده و گفته بود من خیلی جگرمان و عتبات می‌روم و خیلی دوست دارم چهره امام زمان را زیارت کنم و عاشق این هستم که رخسار مهدی فاطمه را ببینم؛ چه کنیم؟ آقا فرمودند به صفحات قرآن نگاه کن، اگر به صفحات قرآن نگاه

کنی، گویا به چهره امام معصوم نگاه کردی. کتاب خدا یکی از ۲ امانتی است که پیامبر برای ما به ارث گذاشته اما ما با این میراث و با این امانت چه کردیم؟ قرآن می‌فرماید یکی از فریادهای پیامبر این است: یا رَبِّ إِنِّي أَخَذْتُ هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا؛ خدایا این امت من قرآن را مهجور و زمین گیر کردند و پشت به قرآن کردند. مهجوریت قرآن این است که من در طول عمرم یک آیه از آیات قرآن را نگاه نکردم و حالا از دنیا رفته‌ام و تأکید می‌کنند حتماً در قرآن خوانده شود و حتماً چند قاری قرآن بیابند بالای سر قبر پدر و برادر و فرزند ما تا صبح قرآن بخوانند. این چه اثری برای میت دارد؟! روایت داریم که یکی از شفاعت‌ها روز جزا قرآن است. قرآن حق شفاعت دارد. قرآن از کسانی که در دنیا با او قهر کردند و با او ارتباط نداشتند، شکایت می‌کند. اگر ما با قرآن ارتباط پیدا کنیم، امت واحد قرآنی می‌شود. اگر ما با قرآن ارتباط پیدا کنیم، جامعه‌ها حلقه‌ها حلقه‌ها می‌کنند. بیاید در این ایام محرم با آریاب بی‌کف‌مان حسین بن علی (ع) عهد ببندیم و بگوییم ما می‌خواهیم همان‌طور که تمام وجود شما قرآن مجسم بود، همان‌طور که سر بریده شما روی نیزه قرآن می‌خواند، همان‌طور که سیدالشهدا بالای سر هر کشته‌ای از عزیزان دشت کربلا قرآن می‌گرفتند، بر بالین این شهدا این آیه را می‌خواندند: **لَا تَحْزَنُوا عَلَى الْمَوْتِينَ رَجُلًا صَدَقُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا بَدِيلًا؛** امیرالمؤمنین علی (ع) نیز بر بالین شهدا این آیه را می‌خواند، ما هم با قرآن عجین شویم. چند درصد ما هر شب در منزل مان قرآن می‌خوانیم؟ مگر معصوم نفرمود: «وَوُزُوا بِبُيُوتِكُمْ بِنِزْوَةِ الْقُرْآنِ»؛ چرا زندگی‌های ما را ظلمت گرفته، مگر معصوم نفرمود: **فَقَلِّبْكُمْ بِالْقُرْآنِ**، مگر روایت نفرمود در آخرالزمان که فتنه‌ها مثل ابر سیاه بر خانه و شهرها چیده می‌شوند، **فَقَلِّبْكُمْ بِالْقُرْآنِ**؛ به قرآن پناه ببرید. وقتی به کلام امام علی (ع) نگاه می‌کنیم، در خطبه ۱۷۶ نهج‌البلاغه، حضرت وقتی تعریف قرآن را می‌فرمایند،

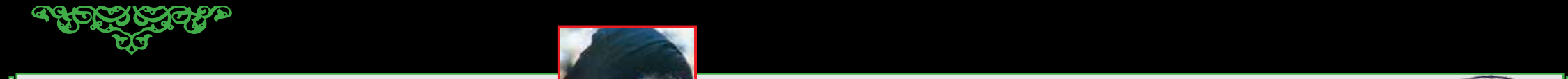
دکتر مصطفی نیک‌اقبال
 مفسر قرآن



می‌گویند: و فیه ربع القلب؛ این قرآن بهار قلب‌هاست. شما چطور در بهار، سبزه و خرم و صدای خوش مرغان روی شاخه درخت را می‌بینید و می‌شنوید اگر می‌خواهید سرزمین وجود شما صفا و خرمیت و نشاط داشته باشد و آن ارتباط و بندگی برقرار باشد، باید **فَقَلِّبْكُمْ بِالْقُرْآنِ**؛ به قرآن پناه ببرید. بین ما و قرآن است. قرآن فقط برای ما استخاره و تفرات است؟ سپس فرمودند: طرف تا می‌خواهد فخر بفروشد، می‌گوید چه ارتباطی با این قرآن داریم. یک بحث تلاوت و قرآنت و پیچیده من ۳ زبان خارجی بلد باشم، فرزند تو با قرآن چه ارتباطی دارد؟! این قرآن که مرکز همه علوم بشری است ما چه ارتباطی با این قرآن داریم. یک بحث تلاوت و قرآنت و تجوید است اما آنها باید تفسیر و در آن تدبر شود. آن زمان این دریای بیکرانی که انسان مانند غواص در اقیانوس قرآن غسل می‌کند، به یک اعجاب و دریافت‌هایی و علومی می‌رسد که عقل میبهد و قلوب قیاس با هیچ چیزی نیست. امروز قرآن مثل ابا عبدالله‌الحسین «وتر الموتر» شده است، یعنی تنهای تنها مانده، اگر ما حسرت می‌خوریم که ای کاش محضر ابا عبدالله را درک می‌کردیم، ای کاش ایشان را نصرت می‌کردیم، امروز قرآن هست، قرآن، محک ادعای ما است. اساساً پرواز به سوی خدا تنها با ۲ بال قرآن و عترت ممکن است، اگر یکی از این دو را از دست بدهیم، دیگری را هم از دست دادیم، عذارای و ارادت به ابا عبدالله اگر با فهم و مطالعه قرآن عجین نشود، به آن هدف غایی این عذارای‌ها که حرکت در صراط مستقیم و رسیدن به کمال نهایی انسانی است منتهی نمی‌شود. اگر می‌خواهیم حال ما در ایام محرم انامه پیدا کند، اگر می‌خواهیم این رشاهی که در ماه محرم به دست ما آمده، این حالت معنوی‌ای که در ما ایجاد شده، همچنان باقی بماند، رشد کند، گسترده‌تر شود، راهش این است که چشم‌های اشکبار از مصائب سیدالشهدا را روزانه برای دقایقی به قرآن بدوزیم و به قرآن گره بزنیم و در معانی الفاظ آن مدافعه کنیم.

قسم به این ۱۰ شب

سیدالشهداست به گونه‌ای که همه علیه ایشان شفع و همدستان شدند و حق را تنها گذاشتند. آیات بعد شرح عذاب اقوام طاغی و مفسد است. «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ» ای جان آرام یافته از اینجا سباق سوره کاملاً دگرگون شده و یکی از زیباترین و دل‌انگیزترین آیات قرآن را ترسیم می‌کند. امن و آرامش، غایت ایمان است، لذا نفس مطمئنه توصیفی از بالاترین کمال و والاترین انسان است. دل آرام را کسی دارد که به وظیفه خویش عمل می‌کند و به اینکه چه خواهد شد وابسته نیست. مهم برای او عمل به وظیفه بندگی است، نسبت به مقدرات تسلیم است و آنچه را به دست او نیست، به خدا واگذار می‌کند. تنها کسی که چنین تفکر وظیفه‌محوری دارد به طمأنینه خواهد رسید، به کسی که پر از خواست است. نفس از کثرت ذکر خدا به این مقام می‌رسد: **الَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ** ذکر اعم از زبانی و عملی و قلبی است. یعنی به یاد خدا و برای خدا بودن در عبادت و طاعت و خدمت و آنگونه که او خواسته، کردن. مصداق بارز ذکرالله نماز است: **اقم الصلاة** لذکری. نماز، ذکر و ذکر اطمینان دل می‌آورد و دل مطمئن به سوی خدا برمی‌کشد. ببینید چقدر نماز در اسلام اهمیت دارد. به همین دلیل پیامبر (ص) آن را ستون دین دانستند. کلینی از امام صادق (ع) روایت می‌کند مؤمن از مرگ کراهت ندارد، چون در موقع مرگ پیامبر (ص) و علی (ع) و فاطمه (س) و حسنین (ع) به استقبالی می‌ایند. محاسن و تاویل آیات از امام صادق (ع) روایت می‌کند که سوره فجر را در نوافل و فرائض زیاد بخوانید که سوره امام حسین (ع) است و شما را در بهشت هر چه جا می‌کند.



عاشورا در نگاه امام موسی صدر گریه، مقدمه قیام علیه ظلم



من از خودم و شما می‌پرسم: ما از روز عاشورا چه بهره‌ای برداریم؟ چه سودی به دست آورده‌ایم؟ چه استفاده‌ای در عرصه عمومی و چه استفاده‌ای در زمینه فردی برداریم؟ اگر استفاده نبرده باشیم و تنها گریه کرده باشیم، من به شما خبر می‌دهم که این کار سودی ندارد. برادران! ما از کدام دسته هستیم؟ از کسانی هستیم که گریه می‌کنند و حسین را می‌کشند؟ ان‌شاءالله نه ان‌شاءالله میان ما چنین کسی وجود ندارد ولی می‌خواهید برای تان بگویم چه کسی گریه می‌کند و حسین را می‌کشد؟ روشن است که امام حسین (ع) الان نیست تا کسی او را بکشد ولی چیزی گران‌بهارتر و مهم‌تر از خود امام حسین در دستمان است؛ کرامت امت حسین، مقدسات حسین. اگر ما گریه کنیم ولی در عین حال برای تضعیف اهداف امام حسین تلاش کنیم؛ اگر گریه کنیم ولی در صف باطل باشیم؛ اگر گریه کنیم ولی گواهی دروغ دهیم؛ اگر گریه کنیم ولی به دشمنان کمک کنیم و به اختلاف و تفرقه در جامعه خود دامن زنی؛ اگر گریه کنیم ولی گناهمان بیشتر شود، در این صورت ما گریه می‌کنیم، ولی در عین حال حسین را نیز می‌کشیم؛ زیرا تلاش می‌کنیم هدف حسین را از بین ببریم که گران‌بهارتر از خود او است. ان‌شاءالله ما از این دسته نیستیم. ستم در برابر اکثریت شکست می‌خورد و ستمکار نیز در هم می‌شکند. سپس ستمکار جامعه نو بر تن می‌کند؛ جامعه انبیا و لباس دین، به دعوت جدیدی قرآنی می‌خواند و شعار دفاع از مصلحت مردم را سر می‌دهد. اعلام می‌کند در کنار مستضعفان است. مستضعفان می‌بینند ستم از درون خودشان با گرفته است؛ غصب و استبداد و استعمار و استثمار و استعمار از درون خودشان است. در این هنگام نبردی دیگر آغاز می‌شود. بدین گونه این نبرد از ازل تا ابد پاینده است.



این نبرد برای چیست؟ این سنت خداوند است. این نبرد همیشگی برای این است که آدمی بتواند با اراده کامل خود، از میان خیر و شر، یکی را انتخاب کند تا بتواند به کمال برسد و اینگونه است که سلسله پابنده ستم‌ساز ستمکار و ستم‌دیده به هر گونه که توصیف شود ادامه می‌یابد. در این روند بود که نبرد آغاز شد؛ از آدم (ع) بر گزیده خدا و نوح (ع) پیامبر خدا و موسی (ع) هم‌سخن خدا و عیسی (ع) روح خدا تا محمد (ص) محبوب خدا و علی (ع) ولی خدا. از این رو، واقعه کربلا نبردی منصف و بدیده‌ای یگانه در تاریخ انسان نیست، البته حلقه‌ای ویژه است و به‌طور طبیعی، با دیگر حلقه‌های تاریخ نبرد تفاوت دارد و همچنان که این حلقه با گذشته پیوند دارد، با آینده نیز در پیوند است. ما با این یادکردها و عذارای‌ها و برپایی مجالس سوگ، می‌کوشیم این واقعه را همچون رویدادی تازه تجربه کنیم. پدران و نیاکان و رهبران و علمای ما نیز چنین کرده‌اند. به سخن امام حسین گوش فرا می‌دهیم: «لَا تُزَوِّنُ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَالْبَاطِلُ لَا يُتْلَفُ غَنَةً»؛ آیا نمی‌بینید به حق عمل نمی‌شود و از باطل دوری نمی‌شود. در این کلام امام حسین (ع) بویی از گذشته نمی‌شنویم. گویا برای همین امروز گفته می‌شود. این سخن در گوش عذاران طنین می‌افکند و انسان را وامی‌دارد هوشیار باشد که امروز چه باید بکند؟ تا وقتی که نبرد ادامه دارد و ۲ جبهه از هم متمایز است، و تا هنگامی که ۲ جبهه رهبران و پیروان خود را دارد، ما باید ببینیم آیا در جای خود ایستاده‌ایم؟ کدام جبهه هستیم؟ امیدوارم که این عاشورای ما و این روزهای ما، روزهای زنده حسینی باشد. اینچنین می‌خواست و اینچنین سفارش کرد. گریستن و بر پا کردن مجالس کافی نیست. حسین



هر چقدر هم این کارها دشوار باشد، حسین (ع) دشواری‌ها و سختی‌های بیشتری تحمل کرده است. کسی نگوید من به فلان گناه عادت کرده‌ام، چگونه از من می‌خواهید آن را ترک کنم؟ این کار دشوار است. این کار هر چقدر سخت باشد، حسین (ع) کاری بسیار سخت‌تر از آن انجام داد. می‌گویی: سخت است که بخشی از وقت خود را مثلاً به نماز یا حج یا ادای حقوق اختصاص دهم، می‌گویم: وضعیت حسین (ع) سخت‌تر و دشوارتر از وضعیت تو بود ولی خودداری نکرد. «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» حسین به شما نیکی و خدمت کرد، آیا شما نمی‌خواهید با عملی ساختن اهداف حسین (ع) به خود نیکی کنید؟ به همان اندازه که در این روزها احساس مصیبت و اندوه عمیق و نیز احساس قدرانی فراوان می‌کنیم، به همان اندازه باید در زندگی و اوضاع‌مان بازنگری کنیم و خط‌تازهای برای رفتار و سلو کمان بر گزینیم؛ باید تجسم «حسینی بودن» روی زمین باشیم. در این زمان چقدر ما نیازمند حسینی بودن هستیم. حسینی بودن یعنی اینکه انسان به اوج علی‌اکبر، بدون هیچ گونه تعارفی، آشکارا گفت: «عَلَى الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَا»؛ پس از تو دنیا هیچ ارزشی ندارد. آیا درک نمی‌کرد که پسرش جوان است و نمی‌خواهد کشته شود؟ وقتی بر سر جنازه عباس رسید، آیا حسین برادرش را دوست نداشت؟ آیا وجود این برادر و قدرت و تأثیر او را در زندگی درک نمی‌کرد؟ چقدر او برای او بنابرین در کشیده بود. از این رو، در رویارویی با مصیبت او گفت: «کنون کرم شکست». اگر من یک ساعت از آسایش یا وقت خود را فدا کنم یا از برخی عادات خود دست بردارم یا واجبات را ادا کنم و گناهان را ترک کنم، آیا تصور می‌کنید کار دشواری صورت داده‌ام؟